



«لیث العذاری» عضو دفتر سیاسی
عصائب اهل الحق عراق در گفت‌وگو
بایست المقدس مطرح کرد:
ار تقای جایگاه جریبان
«الفتح» در آینده عراق

۷



خاطراتی از زندگی سیدالشهدای لبنان،
حجت الاسلام «سید عباس موسوی»
حزبی که دبیر کل آن شهید
می‌شود، هرگز شکست
نمی‌خورد



۴

ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس ◀ شماره ۵۲ ▶ دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۶ ▶ ۱۸ جمادی الاول ۱۴۳۹ ▶ ۵ فوریه ۲۰۱۸

گزارش «بیت المقدس» از زور آزمایی عربستان و امارات در یمن

به خاطر یک مشت دلار

۳



[قبله اول]

سخن نخست

۴ دهه الهام بخشی برای نهضت های آزادی خواه

محمد مهدی رحیمی



این روزها در حالی در آستانه چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران قرار دادیم که منطقه ما روزهای پرنهایتایی را می گذراند اما به اذعان همه کارشناسان و ناظران منطقه ای و بین المللی ایران جزیره آرامش در دریای متلاطم غرب آسیاست.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و شکل گیری یک سنگر مقاومت ایدئولوژیک در برابر نظام سلطه جهانی بی تردید یکی از عمیق ترین و دامنه دارترین تحولات سیاسی قرن بیستم بود. پس از وقوع این رخداد شگرف تلاش بسیار گسترده و سازمان یافته ای توسط قدرت های جهانی بالأخص ایالات متحده آمریکا برای مهار و نابودی آن آغاز گردید. زیرا انقلاب اسلامی فراتر از یک حرکت سیاسی، دربردارنده یک ایدئولوژی و جهان بینی بدیع، یک مدل حکومت داری ناشناخته اما توانمند و یک سبک زندگی نوین بود که به خاطر عدم وامداری و سرسپردگی اش به ایدئولوژی های مسلط و نیز طرح آرمان های جذاب آزادی بخش می توانست برای ملت های جهان خصوصا ملل مسلمان و ستمدیدگان بسیار مطلوب و قابل توجه باشد. همچنین انقلاب اسلامی به هیچ وجه خود را محصور در مرزهای جغرافیایی ایران نمی دانست بلکه داعیه جهانی داشت و عملا به رویارویی با اردوگاه شرق و غرب برخاسته بود.

از سوی دیگر مسئله صدور انقلاب و ظرفیت اشاعه آن به سایر کشورها نیز مطرح بود چرا که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جریان مقاومت اسلامی در جهان اسلام پا گرفت و ملت ها از ورطه ناامیدی و انفعال خارج شدند. این الگوگیری ملت های آزادی خواه از نسخه اسلام سیاسی ایران، هم برای موجودیت رژیم های دیکتاتور مرتجع و سرسپرده شرق و غرب در و هم برای جایگاه هژمونی ابرقدرت ها تهدیدی جدی به شمار می آمد که لاجرم باید از سر راه برداشته می شد. لذا از همان ابتدا سیاست راهبردی مهار و سپس نابودی انقلاب اسلامی در دستور کار ابرقدرت ها قرار گرفت.

دلایل هراس دنیای غرب از اندیشه اسلام سیاسی را می توان به خوبی از رهگذر مقایسه این جریان فکری با سایر جریانات حاضر در منطقه طی دهه های اخیر مانند ناسیونالیسم جمال عبدالناصر در مصر یا پان عربیسم حزب بعث در عراق دریابیم. هیچ کدام از این دو جریان مشهور علی رغم ژست های فریبنده شان نتوانستند توفیقات چندانی به دست آورند و خیلی زود پی آن که در ژرفای اذهان ملت های منطقه رسوخ کرده باشند، در سرایش اقول قرار گرفتند بنابراین قدرت های استکباری برای مهار آن ها با مشکل چندانی مواجه نگردیدند. ولی انقلاب ایران حدود چهار دهه در مقابل انبوه حربه های برانداخته تاب آورده و مسیر اعتلای خود را مقتدرانه پیموده است.

آنچه که ایالات متحده آمریکا و همپیمانان غربی اش را به هراس انداخته و آتش خصومت و کینه توزی شان را شعله ور می سازد، گفتمان اسلام سیاسی است که در نهضت امام خمینی (ره) تبلور یافته و ذاتا مولد قدرت می باشد و پیروان خود را به مقاومت و جهاد علیه مستکبرین و نقش آفرینی فعال در عرصه سیاست فرا می خواند که امروز می توان رویش های آن را در فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، یمن، بحرین، نیجریه و بسیاری نقاط دیگر مشاهده کرد. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای در این رابطه می فرمایند: «آن چه آن ها از آن می ترسند و باید هم بترسند، ایران هسته ای نیست؛ ایران اسلامی است. ایران اسلامی است که در ارکان قدرت استکباری زلزله انداخته است.»

اکنون ملت ایران و انقلاب اسلامی شان ۴ دهه است که پرچم استقلال طلبی، تکیه به توان داخلی و نهراسیدن از ابرقدرت ها را در جهان برافراشته اند و در عمل شعار «نه شرقی نه غربی» را به منصفه ظهور رسانده اند. آنها در پرتو اندیشه رهبران شان این توفیقات مهم را کسب کرده اند رهبرانی که بر این باورند که می توان نظم کهنی را که بر مبانی غیرعادلانه و صرفا از نگاه قدرتمندان ترسیم شده، به چالش کشید و آن را به سمتی عادلانه سوق داد و اکنون این باور مدت هاست که از مرزهای جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران عبور کرده و انگیزه بخش بسیاری از نهضت های آزادی بخش در جهان شده است.

پارلمان لهستان چند روز قبل لایحه ای را به تصویب رساند که طبق آن دیگر عبارت «کمپ های مرگ لهستان» برای توصیف دورانی که نازی ها در جنگ جهانی دوم از آنها به عنوان زندان استفاده می کردند، به کار نرود. لهستانی ها نگارند که به کار بردن چنین الفاظی این برداشت اشتباه را ایجاد کند که آنها در راه اندازی این کمپ ها نقش داشتند. این لایحه باید از سوی سنا و رئیس جمهوری لهستان هم تصویب شود. نفتالی بنت وزیر آموزش و پرورش اسرائیل در این مورد گفت: «حقیقت این است که بسیاری از کشورها از جمله شهروندان لهستان به نازی ها در کشتار یهودیان کمک کرده اند یا آنها را به مقام های نازی تحویل دادند یا خودشان یهودیان را کشته اند. خانواده خود من در هولوکاست از بین رفت». ماجرا این است که اردوگاه های کار اجباری و مرگ توسط آلمانها امادر خاک لهستان احداث شد و در واقع اردوگاه مرگ آلمان هستند نه لهستان (مانند اردوگاه آشویتس) این خبر بهانه ای است که به چرایی و چیستی واقعه ای به نام هولوکاست بپردازیم. موضوعی که مشروعبیت ایجاد رژیم یی به نام اسرائیل را در غرب آسیا و کیلومترها دورتر از آلمان نازی ایجاد کرد. حادثه ای که از فردای پایان جنگ بزرگ دوم تا کنون منشأ اختلاف نظرهای جدی بوده است.

«هولوکاست» واژه ای با ریشه یونانی، به معنای «قربانی کردن با آتش» است. آمارهای موجود نشان می دهد ثبت عدد ۶ میلیون یهودی کشته شده توسط نازی ها، محل تردید جدی است. تعداد کل یهودیان دنیا در سال ۱۹۳۸م. در جهان ۱۶

میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بوده است (هم اکنون در حدود ۱۸ میلیون نفر است) که از این تعداد شش و نیم میلیون نفر در اروپا زندگی می کرده اند. این در حالی است که طبق آمار اعلام شده مراکز مهاجرت اروپا از سال ۱۹۳۳م. (سال به قدرت رسیدن نازی ها در آلمان) تا سال ۱۹۴۵م. (پایان جنگ جهانی دوم)، یک میلیون و پانصد هزار یهودی مهاجرت کردند. همچنین بر طبق آمارهای دولت آلمان در سال ۱۹۳۹م. تنها ۶۰۰ هزار نفر یهودی در آلمان بوده است که ۴۰۰ هزار نفر از آنان مهاجرت کردند. همچنین اگر ۶ میلیون یهودی در جنگ بزرگ دوم قتل عام شده باشند پس تعداد کل یهودیان جهان نمی تواند در سال ۱۹۴۸م. و تنها پس از ده سال با افزایش ده میلیون نفری به ۱۸ میلیون و پانصد هزار نفر رسیده باشد.

قصه ما در این نوشتار انکار یا اثبات هولوکاست نیست؛ اینکه هیتلر رویکردی نژاد پرستانه داشته و ایده او این بوده که نژادهای غیر آریایی را از آلمان پاکسازی کند تا بدینوسیله بتواند آلمان را قدرتمند کند مسئله ای است که او در کتاب «نبرد من» خود بارها به آن اشاره کرده است: «یهودی کسی نیست

که آشتی پذیر باشد باید همه را نابود ساخت» نبرد من - صفحه ۱۲۴ و «یهودی موجودی خودخواه، سهل انگار و خائن به کشور و خانواده خودش است. اگر روزی کشوری را صاحب شوند یا آن را مال خود بدانند این کشور را وسیله خرابکاری جای دیگر قرار می دهد». کتاب نبرد من - صفحه ۴۷. «هرگز ممکن نیست غریزه فداکاری و نفع دیگران را بر منافع خود مقدم شمردن در نزد یهودیان تقویت شود چون خود را وابسته به هیچ تمدنی نمی دانند و برای خودشان

به بهانه تصویب قانون جدید در لهستان درباره مرگ یهودی ها

هولوکاست؛ پشتوانه تئوریک رژیم صهیونیستی



زندگی می کنند» نبرد من صفحه ۱۸۷. «اگر یهودی با ایمان دیوانه کننده ای که به مار کسیست دارد روزی در زمین پیروزی به دست بیاورد؛ تاج او روی مرگ عالم انسانی است و طولی نخواهد کشید که در روی زمین موجود زنده ای باقی نخواهد ماند» نبرد من - صفحه ۵۰

اما با وجود این دیدگاه ها از سوی هیتلر محل بحث دقیقادو چیز است:

۱- چرا صهیونیستها از بیان واقعیت بما هو واقعیت اجتناب می کنند و سعی دارند تصویر اغراق گونه از مسئله کشتار یهودیان در آلمان نازی ارائه دهند؟ چه منافع سیاسی، تجاری و حزبی در پس این اغراق نمایی وجود دارد؟ چرا انجام هر گونه تحقیق، واکاوی و حتی نظر مخالف با بر خورد قهر آمیز داده می شود. دکتر ارنست زاندل از محققین کانادایی - آلمانی که حاصل پژوهش های خود و مصاحبه با شاهدین عینی اردوگاه های نازی را در کتابی با عنوان «آیا واقعا ۶ میلیون نفر کشته شدند؟» منتشر کرد اما پس از آن مورد حمله، آزار و اذیت و بازداشت قرار گرفت. دیوید ایروینگ، نویسنده انگلیسی و متخصص تاریخ جنگ جهانی دوم هم پس از رد واقعهای به نام هولوکاست در دادگاهی در اتریش به سه سال زندان محکوم شد. رژه گارودی، استاد دانشگاه و فیلسوف معروف فرانسوی پس از انتشار کتاب «اسطوره های بنیانگذار سیاست اسرائیل» از سوی یک دادگاه فرانسوی به پرداخت غرامت به مبلغ ۴۰ هزار دلار محکوم شد. رویر فوریسون، مورخ و استاد دانشگاه سوربن فرانسه به علت یک مصاحبه تلویزیونی و ادعای این مطلب که هیچگونه مدرک یا تصویری پیرامون وجود اتاق های گاز در اردوگاه های کار اجباری نازی ها وجود ندارد به سه ماه زندان و هفت هزار و پانصد یورو غرامت محکوم شد. یورگن گراف، مورخ فرانسوی که به ۹ زبان زنده دنیا مسلط است پس از انتشار کتاب «افسانه هولوکاست» در دادگاهی به زندان محکوم شد و ...

اینها صرفا تعدادی از بر خوردهای قهرآمیز و سیاسی غرب با نخبگان، چهره های علمی و روشنفکران دگراندیش است. به طور کلی در بسیاری از کشورهای غربی از جمله اتریش، بلژیک،

چین در صدادست تا یک پایگاه نظامی در مرز مشترک خود با افغانستان تاسیس کند تا مانع ورود «تروریست ها» به خاک خود شود و از امنیت افغانستان دفاع کند. این پایگاه نظامی توسط چین در کوهستان های "واخوان"، کریدور میان افغانستان و چین در شمال شرقی این کشور ساخته خواهد شد.

چین که میلیارد ها دلار در آسیای جنوبی و مرکزی خرج کرده است، نمی خواهد که در گیری های افغانستان منطقه را بی ثبات کند.

محمد رادمشن، معاون سخنگوی وزیر دفاع افغانستان گفت: وزرای دفاع افغانستان و چین، اخیرا درباره ساخت این پایگاه نظامی گفت و گو کرده اند و جزئیات آن در حال نهایی سازی است.

علی اصغر بروجردی



جمهوری چک، فرانسه، آلمان، لیتوانی، لهستان، رومانی، اسلواکی، سوئیس، کانادا، لیختن اشتاین، مجارستان، پرتغال، هلند و لوکزامبورگ تردید پیرامون هولوکاست جرم محسوب می گردد.

۲- مسئله دوم بر خورد سیاسی با آرمان های متعالی و اهداف بشر دوستانه است که به عقیده نگارنده خود یک جرم محسوب می شود. شعارهایی مانند حقوق بشر، آزادی بیان، صلح و نه به نژاد پرستی حاصل صدها سال مبارزه ابنای بشر علیه استبداد، استعمار و ظلم بوده است. اگر کسی با این مفاهیم بر خوردی دوگانه داشته باشد یعنی هر جا موافق منافع اوست این شعارها را فریاد بزنده و هر جا علیه منافعش باشد از این شعارها چشم پوشی کند یا سعی در توجیه آنها داشته باشد به این مفاهیم و تمام مرارت ها و سختی هایی که برای تحقق این شعارها کشیده شده ظلم کرده است. زیرا به مرور باعث تهی شدن آنها از معنی و لوث شدن آنها می شود. اگر کشتار یهودیان در آلمان نازی و کشورهای هم پیمان او یک جنایت بشری است که قطعاً همین طور است کشتار ده میلیون هندی در ایالت بنگال در دهه ۱۷۷۰م. توسط امپراتوری بریتانیا، کشته شدن ۵ میلیون نفر بر اثر گرسنگی در سال های ۱۹۴۲م. الی ۱۹۴۴م. در هند تحت استعمار چرچیل، کشته شدن ۱۰ میلیون ایرانی در قحطی سال ۱۲۹۶ش. الی ۱۲۹۸ش. بر اثر سیاست های ارتش انگلیس در ایران، کشتار ۲۶ هزار زن و کودک در پنج اردوگاه کار اجباری در آفریقای تحت قیمومیت انگلیس و حتی کشتار ۶۰۰ هزار آلمانی در روزهای پایان جنگ بزرگ دوم توسط متفقین نیز یک هولوکاست است. چرا از میان این همه جنایت در تاریخ بشریت فقط واقعه ای به نام هولوکاست بزرگنمایی می شود؟ چرا به نسل کشی ۷۰ ساله اسرائیل عنوان هولوکاست اطلاق نمی شود؟ رژیم ی که در تاریخ سیاه خود حداقل ۳۰ کشتار دسته جمعی معروف از جمله جنگ ۳۳ روزه، کشتار صبرا و شتیلا و نبرد ۵۱ روزه را ثبت کرده است. رژیم ی که باعث آوارگی حداقل ۴ میلیون فلسطینی از ۱۹۴۸م. تا کنون شده است. آیا می توان ناله و فریاد برای قربانیان هولوکاست را از رژیم ی که خود مرتکب دهها جنایت بدتر از هولوکاست شده است را پذیرفت؟



◀ **ارتش آلمان به ماموریت خود در سومالی پایان می دهد**
یک مسئول در وزارت خارجه آلمان اعلام کرد که ارتش این کشور در پایان ماه مارس آینده به مشارکتش در ماموریت واحدهای آموزشی وابسته به اتحادیه اروپا در سومالی خاتمه خواهد داد. این مسئول آلمانی همچنین تأکید کرد که تصمیم برلین برای خروج از این برنامه به ناامیدی آلمان از روند پیشرفت آن مرتبط می شود. وی در ادامه افزود: ارتش ملی سومالی به علت کاستی ها در ساختارهای سیاسی و نهادهای موجود و نیز کمبود تجهیزات برای سربازان آموزش دیده سومالی، بسیار کند پیشرفت می کند.

گزارش «بیت المقدس» از زور آزمایی عربستان و امارات در یمن

به خاطر یک مشت دلار



◀ رامین حسین آبادیان



طی روزهای اخیر مناطق جنوبی یمن به ویژه شهر عدن به صحنه درگیری های شدید میان نیروهای تحت الحمايه امارات متحده عربي و همچنین عناصر مورد حمایت عربستان سعودی تبدیل شده؛ مسئله ای که موجبات پدیدار شدن بیش از پیش اختلافات عمیق و ریشه ای میان ریاض و ابوظبی در پرونده یمن را فراهم آورده است. ماجرا از آنجا آغاز شد که نیروهای وابسته به ژنرال «عیدروس الزبیدی» رئیس شورای انتقالی جنوبی یمن که مورد حمایت امارات هستند، یکی از پایگاه های نظامی وابسته به نیروهای «عبدربه منصور هادی» رئیس جمهور مستعفی یمن را تصرف کردند. پس از این اقدام بود که مزدوران سعودی و اماراتی به شدت به جان هم افتادند. درگیری های میان نیروهای وابسته به عربستان و امارات در جنوب یمن عمدتاً در منطقه «خور مکسر» متمرکز است. به دنبال این درگیری ها حدود ۲۰۰ نفر از هر دو طرف کشته و زخمی شده اند. این در حالی است که جنگنده های ائتلاف متجاوز سعودی همزمان با تداوم درگیری ها به صورت مداوم بر فراز آسمان عدن پرواز می کنند. این اولین باری نیست که نیروهای تحت الحمايه امارات و سعودی در یمن با یکدیگر درگیر می شوند. طی قریب به سه سالی که از تجاوز نظامی سعودی ها و متحدان آن ها به یمن می گذرد، طرف های سعودی و اماراتی همواره درگیری هایی را در عرصه میدانی با یکدیگر داشته اند که در هر برهه به نوعی متوقف شده است. اکنون نیز به نظر می رسد که اختلافات قدیمی و کهنه میان دو طرف بار دیگر سر باز کرده است.

امارات از ابتدا مخالف بود

حقیقت آن است که امارات از همان ابتدا مخالف مشارکت در ائتلاف عربی به سرکردگی عربستان علیه یمن بود. مقامات اماراتی به خوبی از اهداف تمامیت خواهانه عربستان سعودی در یمن اطلاع داشتند و به همین دلیل هیچ تمایلی از خود برای مشارکت در ائتلاف مدنظر سعودی ها نشان ندادند. با این حال، اصرارهای مکرر مقامات سعودی و وعده و وعیدهای آن ها به سران ابوظبی در نهایت موجب تجدیدنظر امارات

شدن خشم مقامات ابوظبی شده، سیاست عربستان سعودی برای تسلط بر تمامی مناطق یمن به ویژه مناطق جنوبی این کشور است. به طور کلی، موقعیت جغرافیایی یمن یک موقعیت کاملاً راهبردی و استراتژیک است. این کشور از یک سوی مشرف بر دریای سرخ است و از سوی دیگر بر اقیانوس هند اشراف دارد. به همین دلیل، تسلط هرچه بیشتر سعودی ها بر خاک یمن امتیازات اقتصادی گسترده ای را برای آن ها به دنبال خواهد داشت و فرصت را برای آن ها جهت هیمنه بیشتر بر شورای همکاری خلیج فارس فراهم خواهد آورد؛ مسئله ای که متقابلاً، به حاشیه رانده شدن نقش ابوظبی در این شورا را در پی دارد. لذا مقامات امارات اقدامات توسعه طلبانه و یکجانبه

«النخل» وابسته به نیروهای تحت الحمايه عربستان در شهر عدن را به شدت هدف حملات هوایی قرار داده اند. بنابراین، برخلاف ادعای واهی سعودی ها مبنی بر آرام بودن اوضاع در جنوب یمن، درگیری های خونین میان طرفداران ریاض و ابوظبی در محور جنوبی همچنان ادامه دارد. علت اصلی تلاش مقامات ریاض برای کتمان این درگیری های خونین، سرپوش گذاشتن بر شکست ائتلافی است که حدود سه سال پیش برای تصرف تمامی خاک یمن تشکیل داده اند. در مقایسه با کشورهای عضو ائتلاف متجاوز سعودی، امارات قوی ترین عضو محسوب می شود و ریاض نیک می داند که ریشه دواندن اختلافات میان دو طرف و تعمیق آن، عملاً ائتلاف متجاوزش را به شکست خواهد کشاند؛ شکستی که البته تاحدودی نشانه های آن از هم اکنون نیز قابل رؤیت است. لذا اکنون خاندان سعودی تمام ظرفیت های خود را به کار گرفته اند تا اگر نتوانستند اختلافات خود با اماراتی ها را حل و فصل کنند، حداقل مانع از آن شوند که حقیقت این اختلافات عمیق و ریشه ای در رسانه ها بر ملا شود.

سختن پایانی

متجاوزان عربستان سعودی و امارات در حالی به خاطر یک مشت دلار در یمن به جان هم افتادند که اقدامات ضد حقوق بشری و ضد حقوق بشر دوستانه آن ها علیه خیل عظیمی از مردم بی گناه تا به امروز بیش از ۱۳ هزار شهید و قریب به ۲۰ هزار زخمی برجای گذاشته است. این در حالی است که هزاران نفر دیگر نیز به دنبال شیوع بیماری های ناشی از حملات ددمنشانه به وسیله سلاح های ممنوعه بین المللی به امراض مختلف دچار شده و جان خود را از دست داده اند. طبق اعلام نهادها و سازمان های حقوق بشری نیز خشکسالی و قحطی نشأت گرفته از تداوم حملات و حشایانه به مناطق مسکونی یمن، میلیون ها نفر از ساکنان این کشور را تهدید می کند.

و گاز این کشور عملاً متوقف شده است. عربستان و امارات هر دو به این منابع نفتی و گازی چشم دوخته اند. عربستان به دلیل مشکلات و معضلات اقتصادی کنونی خود حاضر نیست که بر سر منابع نفتی و گازی موجود در جنوب یمن با مقامات امارات وارد مذاکره و گفتگو شود. در طرف مقابل، سران ابوظبی نیز به دنبال سهم خواهی از ریاض به دلیل مشارکت در ائتلاف متجاوز سعودی هستند و فاکتور اقدامات مخربی را که تاکنون علیه مردم بی دفاع و بی گناه یمن انجام داده اند، در مقابل مقامات سعودی قرار داده اند.

اختلاف بر سر جانشین صالح

یکی دیگر از موارد اختلافی میان عربستان سعودی و امارات، مسئله جانشینی «علی عبدالله صالح» دیکتاتور سابق یمن است که پس از تلاش برای فتنه انگیزی در صفوف یمنی ها، در عملیات ارتش و کمیته های مردمی به هلاکت رسید. پس از کشته شدن علی عبدالله صالح، عربستان سعودی به سراغ جریان «الإصلاح» یمن رفت؛ جریانی که از لحاظ ایدئولوژیک بیشتر با تروریست های القاعده همکیش است. این در حالی است که مقامات ابوظبی معتقدند «أحمد» فرزند صالح که هم اکنون در امارات اقامت دارد باید به عنوان جانشین دیکتاتور سابق یمن منصوب شود. پس از مخالفت احمد با عهده داری مسئولیت جانشینی پدرش و روی آوردن عربستان سعودی به جریان «الإصلاح» به عنوان یک جریان مغضوب امارات، اختلافات میان دو طرف بار دیگر شدت پیدا کرد.

شکست ائتلاف متجاوز سعودی

مقامات سعودی در شرایط کنونی تمام تلاش خود را به کار بسته اند تا وضعیت در جنوب یمن را عادی جلوه دهند. در راستای همین تلاش ها سخنگوی دولت مستعفی و فراری یمن اعلام کرده که اوضاع در جنوب این کشور تحت کنترل است. این ادعا در حالی مطرح می شود که جنگنده های اماراتی اخیراً اردوگاه

طی قریب به سه سالی که از تجاوز نظامی سعودی ها و متحدان آن ها به یمن می گذرد، طرف های سعودی و اماراتی همواره درگیری هایی را در عرصه میدانی با یکدیگر داشته اند که در هر برهه به نوعی متوقف شده است

عربستان سعودی در یمن را در تعارض آشکار با منافع و مصالح خود در شورای همکاری خلیج فارس قلمداد می کنند و به دنبال مقابله با این اقدامات هستند.

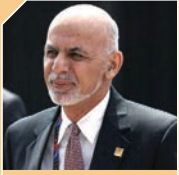
چشم طمع به نفت و گاز یمن

هر چند که یمن فقیرترین کشور عربی به شمار می رود اما این بدان معنا نیست که این کشور از منابع نفتی و گازی محروم است. بلکه برعکس، مناطق جنوبی یمن از لحاظ منابع نفتی و گازی بعضاً سرشار نیز هستند. طبق آخرین آمار، در ژانویه سال ۲۰۱۴ میزان ذخایر نفتی یمن ۳ میلیارد بشکه بوده و در همین سال تولید نفت یمن به طور متوسط ۱۲۷ هزار بشکه در روز تخمین زده شده است. با تمامی این ها زمان آغاز تجاوز نظامی عربستان سعودی و هم پیمانانش به یمن، تولید نفت

در تصمیمش مبنی بر عدم مشارکت در ائتلاف ضد یمن شد. در همین ارتباط، حتی «عبدالله خالق عبدالله» مشاور سیاسی ولیعهد ابوظبی پیش از عضویت امارات در ائتلاف متجاوز سعودی، طی گفتگویی در مخالفت با ائتلاف مزبور، گفته بود: «عملیات طوفان قاطعانه که عربستان در یمن به راه انداخته چیزی بیش از یک ماجراجویی نیست». لذا اکنون که حدود سه سال از عملیات نظامی و تجاوز کارانه سعودی ها و متحدان آن ها در یمن سپری می شود و تمامی وعده و وعیدهای ریاض به ابوظبی در خصوص جنگ یمن روی زمین مانده است، شاهد علنی شدن اختلافات قدیمی میان آن ها هستیم.

به حاشیه رانده شدن ابوظبی

یکی دیگر از عواملی که در حال حاضر موجب برافروخته



اشرف غنی: پاکستان مرکز اصلی استقرار طالبان است

«اشرف غنی» رئیس جمهوری افغانستان طی سخنانی پاکستان را به درماندگی در مبارزه با طالبان متهم کرد. غنی همچنین با اشاره به دو حمله تروریستی رخ داده در افغانستان در ماه گذشته که منجر به کشته و زخمی شدن صدها تن از شهروندان این کشور شد، از برنامه دولت این کشور برای تدوین و به کارگیری یک سیستم امنیتی جدید جهت مبارزه با حملاتی از این دست خبر داد. وی در بخش دیگری از سخنان خود از پاکستان به عنوان مرکز تجمع اصلی طالبان یاد کرد و با اشاره به کشته و زخمی شدن هزاران تن از شهروندان افغانستان طی سالهای گذشته، پاکستان را مسئول مستقیم این وقایع دانست.

یاران آخرالزمانی

خاطراتی از زندگی سیدالشهدای لبنان، حجت الاسلام «سید عباس موسوی»

سید محمد موسوی

حزبی که دبیرکل آن شهید می شود، هرگز شکست نمی خورد



زمستان ۱۹۹۲؛ جاده خروجی روستای جیشیت، جنوب لبنان. صدای هلیکوپترهای «کبرا»ی اسرائیلی به گوش می رسد، و اندکی پس از آن، صدای یک انفجار. انفجاری که نتیجه شلیک موشک به خودروی «حجت الاسلام سید عباس موسوی» بود و به حیات دنیوی سید، همسرش سیده سُهام و فرزند کوچکش سید حسین پایان داد و البته، واسطه آغاز زندگی اخروی آنان شد؛ عند ربهم یرزقون... چند سطر پیش رو، خاطراتی است از زندگی دبیرکل شهید حزب الله لبنان، شهید سید عباس موسوی از زبان خانواده، دوستان و همزمان که در آستانه سالگرد شهادت ایشان تقدیم شما می شود:

آن روز، فلسطینی ها در جنوب لبنان علیه اسرائیل عملیاتی انجام داده بودند و قرار بود شهدای این عملیات در همان منطقه تشییع شوند. سید عباس هم در تشییع حضور پیدا کرده بود و بعد از تشییع، برگشته بود خانه. گشتند و گشتند تا آخر سر فهمیدند با یکی از دوستانش رفته سوریه؛ آموزش نظامی تادر گروه های مقاومت فلسطینی عضو شوند. آن موقع، هنوز شانزده سالش را تمام نکرده بود.

من و مادرش و دایی اش رفتیم پادگان زبدانی سوریه که عباس داشت آن جا آموزش نظامی می دید. سه روز طول کشید تا با خواهش و تمنا راضیش کردیم برگردد لبنان. برگشتنی، فلسطینی هایی که کنارشان آموزش نظامی می دید را جمع کرد دور خودش، همه پول توجیبی اش را تقسیم کرد بینشان. ***

عباس خیلی درسخوان بود. به لباس روحانیت هم خیلی علاقه داشت. همین شد که دو سال آن جا درس خواند و بعد، به دست امام موسی صدر معمم شد. عکس معمم شدن عباس به دست امام موسی هنوز در آلبوممان هست. امام موسی هم فرستادش نجف، پیش پسرعمویش سید محمد باقر صدر و توصیه اش را به او کرد. این شد که در نجف، عباس شد یکی از شاگردان نزدیک سید محمد باقر صدر. هر بار که می آمد لبنان، از شهید صدر برای امام موسی نامه می آورد و نامه های امام موسی را برای شهید صدر می برد.

آن طور که بعدتر شنیدیم، امام موسی بین طلبه های مدرسه اش، بیش تر از همه، سید عباس موسوی را تحویل می گرفت. یک بار ازش پرسیده بودند چرا؟ گفته بود «این پسر آینده درخشانی دارد»

شورای مرکزی حزب الله یک سید دیگر را به عنوان جانشین سید عباس موسوی انتخاب کرد؛ سید حسن نصرالله که افتخارش را «شاگردی سید عباس موسوی» می خواند

**

با صدای حق هق گریه از خواب بلند شدم. صدا، توجهم را جلب کرد. دنبالش را که گرفتم، دیدم تنها نشسته، دعا می خواند و گریه می کند. متوجه نشده بود که من بیدار شده ام. طوری گریه می کرد که فکر می کردم اصلاً در این دنیا نیست. یک دعا بود که خیلی به آن علاقه داشت؛ «دعای حزین» که مستحب است بعد نماز شب بخوانند. می خواند و گریه می کرد.

صدایش هنوز توی گوشم است که «فإن لم تر حمنی فمن یرحمنی و من یونس فی القبر وحشتی؟» کار هر شبش بود.

بعد از یکی از دیدارهایی که شورای مرکزی حزب الله با امام داشتند، با شوق و ذوق برایم تعریف می کرد: «امام به من گفت: «پسرم! تو میوه درختی که می کارید را نمی بینی. اما بعد از تو، این درخت میوه

می دهد» حزب الله را می گفت.

سید عباس میوه های پربرکتی که درخت حزب الله داد را ندید؛ اما مردم لبنان دیدند. مردم کل دنیا دیدند. دیدند که یک گروه کوچک چند هزار نفره - اما با ایمان -، برای اولین بار بعد از دهه ها، هیبت پوشالی ارتش اسرائیل را ریخت. ارتشی که خاطره ی پیروزی هایش در مواجهه با ارتش های قدرتمند عربی هنوز از یادها نرفته بود.

آن شب مهمان یکی از رزمندگان حزب الله بود؛ در برج البراجنه ی بیروت. برگشتنی، از پله های سیمانی ساختمان که پائین می آمدیم، جلوی در یکی از خانه ها صدای مردی را شنیدیم که بلند بلند می گفت «به خدا دیگه طاقتم طاق شده. دیگه نمی تونم از جلوی مغازه ها رد بشم. از جلوی هر کدوم که رد می شم صاحب مغازه میاد بیرون و طلبش رو می

خواد.» و برای زنی که معلوم بود مادرش است درد دل می کرد. مادر هم، گریه می کرد و می گفت «مگه این که حضرت زهرا (س) و اهل بیت (ع) کم کمون بکنن.» همه ی این ها را شنید. وقتی رسیدیم خانه اش، سریع رفت و دویست دلار برایم پول آورد و گفت «این را ببر در اون خانه و تحویل بده. به اون خانم هم بگو حضرت زهرا (س) شیعیانش رو فراموش نمی کنه.»

حزب الله که تأسیس شد، همراه با اعضای شورای مرکزی حزب الله رفتیم ایران، دیدار امام. سید عباس شروع کرد صحبت کردن از طرف جمع. صحبت هایش که تمام شد، امام با همان لحن قاطع و جدی اش، چند تذکر به ما داد و گفت «من پیروزی را در پیشانی شما می بینم.» آن موقع کسی فکرش را هم نمی کرد که ما حریف اسرائیل شویم. حتی بعضی ها مسخره می کردند و می گفتند شما دارید یک عملیات

یاران آخرالزمانی

اسرائیلی که موشک هایش را شلیک کرد، راننده و محافظش موفق شدند خودشان را از ماشین پرت کنند بیرون، اما سید و ام یاسر نه. محافظ ها آسیب خاصی ندیدند، ولی سید شهید شد؛ ام یاسر هم، حسین کوچک هم...

شب ۱۶ فوریه بود. آخرین شبی بود که کنار مامان و بابا و حسین گذراندم. وقتی فهمیدم فردا بابا در روستای حبشیت سخنرانی دارد، اصرار کردم که من را هم همراه خودش ببرد. اصرار و اشتیاقم را که دید، قبول کرد.

فردا صبح امادرد عجیبی را در سرم احساس می کردم. به شان گفتم «سرم درد می کنه. شماها برید. من نمیام.» این را که گفتم، بابا گفت «این سفر، به فرصت استثناییه. از دست می دی ها»

عصر، خبر آوردند که ماشین بابا رازده اند. اول گفتند بابا شهید شده. آرزو کردم کاش لااقل حسین و مامان سالم مانده باشند. آخر قرار نبود هر سه شان توی یک ماشین باشند. چند دقیقه بعد، خبر آمد که هر سه شان شهید شده اند؛ بابا هم، کنار هم؛ همان طور که سالها آرزویش را داشتند. این را که شنیدم، حرف های بابا و مامان آمد توی ذهنم که می گفتند «ما کنار هم شهید می شیم» خنده هایشان، حرف زدن هایشان، لحظه هایی که کنار هم گذرانیدیم. همه و همه توی ذهنم می آمد و می رفت و هنوز، باورم نمی شد که هم بابا از پیشمان رفته، هم مامان، و هم حسین.

زیر بغل پیرمرد را گرفته بودند. گریه می کرد و بلند بلند می گفت «خدا یا! یک سید عوض این سید به ما عطا کن». سه تابوت چوبی روی دست های می چرخید. باد پرچم های حزب الله را - که این دفعه، به رنگ سیاه بودند - در هوا می تاباند. روز تشییع سید عباس موسوی بود.

فردای آن روز، شورای مرکزی حزب الله یک سید دیگر را به عنوان جانشین سید عباس موسوی انتخاب کرد؛ سید حسن نصرالله که افتخارش را «شاگردی سید عباس موسوی» می خواند. چند سال بیش تر از شروع دبیر کلی سید حسن نگذشته بود که اسرائیلی ها گفتند «از شر سید عباس موسوی راحت شدیم، بلایی بدتر سرمان آمد»

خبر آمد که سید عباس موسوی آمده طرابلس. طرابلس که بزرگترین شهر سنی نشین لبنان بود و هست. گفتند رفته اردوگاه فلسطینی ها، سخنرانی. در آن سالهای جنگ داخلی، این کارها دیوانگی بود



خبر آمد که سید عباس موسوی آمده طرابلس. طرابلس که بزرگترین شهر سنی نشین لبنان بود و هست. گفتند رفته اردوگاه فلسطینی ها، سخنرانی. در آن سالهای جنگ داخلی، این کارها دیوانگی بود. چند ساعت بعدتر، گفتند رفته خانه شیخ سالم شهبال. سالم شهبال از تندرو ترین علمای سلفی لبنان بود. بهش می گفتند پدر جریان سلفی در لبنان. آن روزها خیلی حرفهای تند علیه شیعیان و حزب الله می زد. بعدتر، فهمیدیم که سید عباس موسوی تا دیر وقت مانده خانه شان و باهم صحبت کرده اند و آخر سر، آن عالم سلفی، تحت تأثیر اخلاق و حرفهای سید عباس، گریه کرده و از مواضع تندش، عقب نشینی.

آن روز من برای پیگیری یکی از کارهای حزب الله رفته بودم خانه اش. زمستان بود؛ زمستان استخوان سوز لبنان تا عمق جانت را منجمد می کرد. چند دقیقه بیشتر نگذشته بود که صدای در آمد. پشت در، زنی را دیدیم که از سرما دست هایش را جلوی دهانش مجاله کرده بود و می لرزید. فلاکت و بدبختی از سر و رویش می بارید. می گفت «سید، بچه یتیم دارم. توی این سرمانه بخاری داریم، نه شومینه. حتی پول خرید نفت هم نداریم.» این را که شنید، سریع فرستاد یک وانت آوردند. وانت که آمد، به زن فقیر گفت «خانم، الان به بچه ها می گم بخاری و فرش خونه خودم رو بذارن توی وانت. خونه تون کجاست؟»

ساعتها بود که مشغول کار بودیم. شب از نیمه گذشته بود. دعوتمان کرد به خانه اش. نشستیم داخل یکی از اتاق ها و سید رفت برایمان غذا بیاورد. ام یاسر و بچه ها خوابیده بودند. شام را که آورد، باورمان نمی شد که این شام خانه ی دبیر کل حزب الله است. چند تا گوجه فرنگی را گذاشته بود لای نان و رویشان نمک پاشیده بود. چیز دیگری در خانه نداشتند.

دلش راضی نبود که محافظ داشته باشد. حتی در آن چند ماه دبیر کلی اش. می گفت «دوست ندارم کس دیگه ای به خاطر حفاظت از من آسیب ببینه» حتی یک بار که توی راه تصادف کرده بودند، محافظ ها هیچ آسیبی ندیده بودند. آخر سر هم، هلیکوپتر

آمریکا ۱۳ فرد و نهاد را به بهانه ارتباط با حزب الله تحریم کرد

وزارت خزانه داری آمریکا ۶ فرد و ۷ نهاد را به بهانه ارتباط با حزب الله لبنان تحریم کرد.

بر اساس این تحریم، تمام اموال این افراد و نهادها در ایالات متحده توقیف می شود و هیچ فرد و شرکت آمریکایی اجازه معامله با آنها را ندارد. اسامی افراد تحریم شده عبارتند از: جهاد محمد قانصو، علی محمد قانصو، عصام احمد سعد، نبیل محمود عساف، عبداللطیف سعد و محمد بدرالدین. همچنین اسامی شرکت های تحریم شده عبارت است از: گروه پلو لاکون (واقع در سیرا لئون)، آژانس ماهیگیری قانصو (سیرا لئون)، شرکت تجاری استار (غنا)، کمپانی تجاری دلفین (لیبریا)، کمپانی تجاری اسکای (لیبریا)، شرکت گولدن فیش (لیبریا) و شرکت گولدن فیش (لبنان).



دلش راضی نبود که محافظ داشته باشد. حتی در آن چند ماه دبیر کلی اش. می گفت «دوست ندارم کس دیگه ای به خاطر حفاظت از من آسیب ببینه»

رزمنده ها چادر به پا می کند. دیده بودندش که دارد ظرف می شوید و غذا درست می کند.

می پرسیدند «این همون سید عباس موسوی معروفه؟»

گفتم «بله. خودشه»

گفتند «پس چرا داره ظرف می شور و غذا درست می کنه؟»

گفتم «کم کم اخلاقش می آد دستت»

اولین جلسه شورای مرکزی حزب الله بود که به دبیر کلی سید عباس برگزار می شد؛ به خاطر همین، روی میز را پر کرده بودیم با میوه و شیرینی. می خواستیم این طور بهش تبریک بگوییم. وارد اتاق جلسه که شد و آن همه میوه و شیرینی را دید، سریع به مان دستور داد جمعشان کنیم. نمی خواست تشریفات این شکلی وارد حزب الله بشود.

از شروع دوره ی دبیر کلی اش چند هفته می گذشت، ولی هنوز دیدارهای عمومی برقرار بود. هنوز، مثل سالهای قبل، مردم می آمدند دفترش و مشکلاتشان را برایش می گفتند.

یک روز، یک نفر آمده بود و می خواست مشکلش را با سید مطرح کند. گفتم «الان توی جلسه هستن.» این را که شنید، روی صندلی منتظر نشست، تا جلسه تمام شود. جلسه خیلی طول کشید؛ بنده خدا هم فکر کرد دست به سرش کرده ام. ناراحت شد و غرولند کنار رفت.

خسته و کوفته از یک جلسه سه - چهار ساعته آمد بیرون. قضیه را برایش تعریف کردم. ماجرا را که شنید، چند لحظه فکر کرد و گفت «ماشین رو آماده کن، بریم در خونه اش.» گفتم «لزومی نداره شما بری سراغش. خبرش می کنیم، خودش میاد.» ولی پایش را توی یک کفش کرده بود که «خودم باید برم سراغش»

انتحاری دسته جمعی انجام می دهید. تلخی شکست مفتضحانه سال ۱۹۶۷ در یادها باقی بود. آن سال، اسرائیل در عرض فقط ۶ روز، سه ارتش قدرتمند عربی را تار و مار کرده بود. بعد از آن، کم تر کسی امید به شکست دادن اسرائیل داشت.

اما دو سال بعد، اسرائیل قسمت اعظم خاک لبنان را ترک کرد و چند سال بعدتر، کل جنوب لبنان آزاد شد. این، اولین باری بود که ارتش اسرائیل طعم تلخ شکست را می چشید.

اولین دوره آموزشی را در منطقه بقاع برگزار کردیم. من کسانی را که مناسب شرکت در دوره بودند ثبت نام می کردم. سید آمد پیش من و اسمش را نوشت. خیلی تعجب کردم. گفتم «سید، شما الان امام جمعه بعلبک هستید، شرکت در دوره آموزش نظامی مناسب شأن شما نیست. ما در همین دوره کلاس های اخلاق هم داریم که شما می توانید به عنوان استاد در آن ها شرکت کنید؛ ما هم شاگرد شما»

با همان لبخند همیشگی اش گفت: «اتفاقاً توی این دوره، این منم که شاگرد بچه های سپاه هستم»

سید در آن دوره، تک تیرانداز بود. چند روز بعد از شروع دوره، آمد پیشم و گفت «می خوام از این به بعد آر پی جی زن باشم.» گفتم «سید، همون تک تیرانداز بودن برای شما بهتره.» اصرار که کرد، قبول کردم. پرسیدم «حالا چرا آر پی جی زن؟» گفت «تک تیرانداز رو تک تیرانداز می زنه، ولی آر پی جی زن رو تانک می زنه. می خوام چیزی از جسد باقی نمونه.» از همان موقع، این آرزو را داشت. آرزویی که آخر سر بهش رسید؛ همراه ام یاسر و حسین کوچک.

اولین دوره نظامی بود که سپاه در لبنان برگزار می کرد. من و سید باهم در آن شرکت کرده بودیم. روز اول دوره، سید را دیده بودند که دارد برای



۳۰ سال زندان برای ۴ شاعر منتقد بن سلمان

دادگاه سعودی چهار شاعر منتقد سیاست‌های محمد بن سلمان ولیعهد سعودی را در مجموع به ۳۰ سال زندان محکوم کرد. موج بازداشت هادر عربستان به مبلغان، بازرگانان، شاهزادگان، اندیشمندان و نویسندگان محدود نشده است بلکه شاعران منتقد سیاست‌های محمد بن سلمان را نیز شامل شده است. این چهار شاعر اهل دو منطقه تبوک و طائف هستند که در قصیده خوانی خود از سیاست‌های بن سلمان در پی تغییر شیوه‌های درسی انتقاد کرده‌اند. دادگاه عربستان عبد الله عتقان السلمی و محمد عبد الحویطی را هر یک به ۱۰ سال زندان و منیف المنقره و سلطان الشیبانی العتیبی را هر یک به پنج سال زندان محکوم کرد. در همین حال، سازمان حقوق بشری "القسط" از صدور احکام سنگین علیه شعرا به اتهام اقدام تحریک آمیز علیه محمد بن سلمان و مشاورانش انتقاد کرد.

رامین ولی‌زاده میدانی



رویش شاخه زیتون ترک در خاک عفرین



عملیات شاخه زیتون تنها برای مقابله با حمایت‌های واشنگتن از نیروهای دموکراتیک سوریه انجام نمی‌شود، بلکه ارتباطات روسیه با کردها نیز برای ترکیه قابل تحمل نیست

سال گذشته اصرار داشته منطقه امنی در خاک سوریه تشکیل شود که از این موضوع نیز اهداف خاصی را دنبال می‌کند. انتقال آوارگان سوری ساکن در ترکیه به این منطقه از جمله اهداف آنکارا در این زمینه محسوب می‌شود. آنکارا اعلام کرده که منطقه‌ای امن به عمق سی کیلومتر در خاک سوریه تشکیل می‌دهد. اردوغان اخیراً اعلام داشت که سه و نیم میلیون آواره سوری بعد از عملیات شاخه زیتون می‌توانند به کشور خود بازگردند. در حقیقت اگر آنکارا در تشکیل چنین منطقه‌ای موفق باشد، می‌تواند به چندین هدف به صورت هم‌زمان دست پیدا کند. اولاً آسیب‌هایی که به دنبال حضور سه و نیم میلیون آواره سوری در خاک ترکیه وجود دارد، حذف می‌شود. ثانیاً احاطه بر منطقه‌ای از خاک سوریه می‌تواند قدرت چانه‌زنی آنکارا را در مذاکرات سیاسی و تأثیرگذاری بر سرنوشت سیاسی سوریه افزایش دهد. در نهایت سه سناریو برای عملیات ترکیه در عفرین می‌توان متصور شد. سناریوی نخست محدود بودن این عملیات است. بر این اساس آنکارا دامنه عملیات خود را به دنبال تحت‌فشار گذاشتن بازیگران دیگر و گرفتن امتیازاتی از آن‌ها محدود می‌کند. سناریوی دوم تعیین شدن اهداف مشخص ترکیه در این عملیات است؛ به گونه‌ای که آنکارا حزب اتحاد دموکراتیک را از جنوب عفرین عقب براند و ادلب را به شرق عفرین متصل کند. این موضوع می‌تواند قدرت چانه‌زنی آنکارا را در مذاکرات سیاسی افزایش دهد. سناریوی سوم نیز عبارت است از اینکه ترکیه اقدام به تصرف کامل عفرین کند که این مسئله بعید به نظر می‌رسد. بر این اساس سناریوی دوم محتمل‌ترین سناریو است. با این حال تحولات میدانی و کثرت بازیگران حاضر در صحنه بیرونی می‌تواند تغییراتی در این موضوع پدید آورد.

در ادلب بکاهد. حزب اتحاد دموکراتیک در حال حاضر از عدم ورود جدی مسکو برای مخالفت با عملیات ترکیه در عفرین آزرده‌خاطر شده و عدم شرکت آن‌ها در کنگره ملی سوریه نیز در این چارچوب قابل ارزیابی است؛ اما این حزب و شاخه نظامی آن برای دفاع از خود همچنان به حمایت‌های روسیه نیازمند است. سیاست‌عاملی دیگری که ترکیه با انجام عملیات شاخه زیتون دنبال می‌کند، برجسته کردن نقش ارتش آزاد در سوریه است. همراهی این نیروها با ارتش ترکیه در این عملیات کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ اما باید این سوال را مطرح کرد که چرا آنکارا ارتش آزاد سوریه را از بین تروریست‌های دیگر این کشور برای شاخه زیتون برگزید؟ به نظر می‌رسد ترکیه با همراه کردن ارتش آزاد تلاش می‌کند صبغه تروریستی بودن آن‌ها و حمایت خود از گروه‌های تروریستی را پاک کند و در آینده از آن‌ها به عنوان نیروهای دست‌نشانده در خاک سوریه استفاده نماید. آنکارا در حال حاضر به این موضوع می‌اندیشد که چگونه می‌تواند در سوریه پسا داعش حضور و نفوذ داشته باشد. ناکامی سیاست‌های پیشین ترکیه در سوریه موجب شده است که آنکارا به سمت گزینه‌های جایگزین حرکت کند. مطمئناً تداوم حمایت‌های ترکیه از تروریست‌هایی چون جبهه النصره و الزنکی به هیچ‌وجه موفقیت‌آمیز و قابل‌پذیرش نخواهد بود؛ لذا این کشور به گمان خود می‌تواند ارتش آزاد به عنوان مخالف میانه‌رو بهره‌بردار کند. به نظر می‌رسد ترکیه تلاش می‌کند مناطقی را به دست ارتش آزاد کنترل و مدیریت کند. محصور دیگری که به نظر می‌رسد در چارچوب انجام گرفتن عملیات شاخه زیتون مؤثر بوده است، به موضوع منطقه امن در خاک سوریه مربوط می‌شود. ترکیه از چندین

داد، به بحث مواضع روسیه درباره کردهای شمال سوریه مربوط می‌شود. مسکو حزب اتحاد دموکراتیک و یگان‌های مدافع خلق را تروریست نمی‌داند؛ لذا دیدگاه آنکارا و مسکو در مورد این نیروها یکسان نیست. بر این اساس روسیه تلاش داشت که کردهای سوری نیز در کنگره ملی سوریه در سوجی حضور پیدا کنند؛ اما اصرار مسکو بر این موضوع با مخالفت‌های آشکار ترکیه مواجه شده بود. از طرف دیگر روسیه نمی‌تواند نظاره گر حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا از نیروهای دموکراتیک سوریه باشد. روس‌ها به‌خوبی می‌دانند که تداوم حمایت‌های واشنگتن از کردهای شمال سوریه طرح‌های ارائه‌شده مسکو در رابطه با آشتی ملی سوریه و سرنوشت سیاسی این کشور را با خلل مواجه خواهد ساخت؛ لذا راه‌ها کردن حزب اتحاد دموکراتیک و شاخه

آنکارا اعلام کرده که منطقه‌ای امن به عمق سی کیلومتر در خاک سوریه تشکیل می‌دهد و اردوغان اخیراً اعلام داشت که سه و نیم میلیون آواره سوری بعد از عملیات شاخه زیتون می‌توانند به کشور خود بازگردند

نظامی آن در زیر چتر حمایتی آمریکا را به هیچ‌وجه صحیح نمی‌دانند. ارتباط گرفتن روسیه با این نیروها و دعوت از آن‌ها برای حضور در کنگره ملی سوریه نیز حکایت از این داشت که مسکو به‌صورت فعالانه با کردها وارد مذاکره شده است. با این حال این حزب در سوجی حضور پیدا نکرد. در حقیقت عملیات شاخه زیتون تنها برای مقابله با حمایت‌های واشنگتن از نیروهای دموکراتیک سوریه انجام نمی‌شود، بلکه ارتباطات روسیه با کردها نیز برای ترکیه قابل تحمل نیست. آنکارا با انجام این عملیات جدیت خود را در قبال مواضع روسیه به نمایش گذاشت. همچنین ترکیه با حملات ارتش سوریه در ادلب مخالفت داشت؛ لذا سکوت روس‌ها در برابر اقدام نظامی ترکیه در عفرین می‌تواند از مخالفت‌های ترک‌ها با حملات علیه مواضع تروریست‌ها

موجب می‌شد که آخرین امیدهای آنکارا نیز برای حل و فصل اختلافات از بین رود. آمریکا در دکنترین جدید سیاست خارجی اخیراً به‌صورت آشکار اعلام کرده است که تمرکز این کشور بر رقابت با قدرت‌های بزرگ خواهد بود؛ لذا واشنگتن برای رقابت با مسکو به ترکیه نیازمند است. به هر حال ترکیه متحد استراتژیک آمریکا بوده است و واشنگتن به راحتی نمی‌تواند از این اتحاد چشم‌پوشی کند. به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها فعلاً مخالفت جدی با اقدام ترک‌ها نخواهند داشت تا اینکه به استراتژی منسجمی برای مدیریت روابط خود با نیروهای دموکراتیک سوریه و آنکارا دست پیدا کنند؛ اما واشنگتن به خوبی می‌داند که پیدا کردن چنین راهبردی چندان ساده نخواهد بود. پاسخ دیگری که به سؤال نخست این نوشتار می‌توان

◀ بازار داغ جراحی زیبایی در عربستان!

عمل جراحی زیبایی در بین زنان در عربستان سعودی به صورت گسترده‌ای رواج پیدا کرده است. بارواج گسترده انواع عمل جراحی زیبایی در عربستان، همایشی درباره جراحی زیبایی در ریاض برگزار شد. عربستان از جمله کشورهایی است که بیشترین تعداد عمل جراحی زیبایی در جهان در آن صورت می‌گیرد. عمل جراحی بینی رایج‌ترین عمل جراحی زیبایی در عربستان است. عربستان همچنین یکی از بزرگترین بازارهای فروش لوازم آرایشی در خاورمیانه است.



«لیث العذاری» عضو دفتر سیاسی عصاب اهل الحق عراق در گفت‌وگو با بیت المقدس مطرح کرد

ارتقای جایگاه جریان «الفتح» در آینده عراق



نمایندگان پارلمان عراق پس از کش و قوس‌های فراوان چند روز اخیر در نهایت طرح برگزاری انتخابات پارلمانی در موعد مقرر را به تصویب رساندند. براساس قوانین موجود در قانون اساسی و تصویب طرح اخیر نمایندگان، انتخابات پارلمانی می‌بایست در موعد مقرر خود یعنی در روز ۱۲ می (۲۲ اردیبهشت ماه) برگزار شود.

هادی العامری دبیر کل سازمان بدر و از فرماندهان سابق حشد الشعبی لیستی با نام «الفتح» به ثبت رساند که در آن ۲۱ گروه از حشد الشعبی و سایر احزاب همچون عصاب اهل الحق، کتائب سیدالشهدا، النجباء و مجلس اعلای اسلامی عراق حضور دارند.

لیست الفتح روز یکشنبه هفته گذشته با لیست النصر به رهبری حیدر العبادی متحد شد، اما با مشخص شدن پیوستن جریان حکمت ملی (عمار حکیم)، عامری تصمیم به خروج از لیست گرفته و دلیل جدایی الفتح را مسائل فنی عنوان کرد و یادآور شد که با جریان حکمت ملی مشکلی نداشته و بعد از انتخابات می‌توانند تحت فراکسیون واحدی متحد شوند.

در همین زمینه نیز با «لیث العذاری» عضو دفتر سیاسی عصاب اهل الحق و لیست «الفتح» عراق گفت‌وگو کردیم که شرح آن از نظر می‌گذرد.

▼ ویژگی‌های ائتلاف جریان‌های شیعه به ویژه جریان سید عمار حکیم، مقتدی صدر، هادی العامری و غیره را در عراق برای انتخابات پارلمانی آینده چگونه ارزیابی می‌کنید؟

انتخابات اسامال به دلیل ثبت‌نام بیش از ۱۰۰ حزب و جریان در انتخابات با دوره‌های قبلی متفاوت است. این تعداد بالای احزاب در ۲۷ ائتلاف جای گرفتند. این نشانگر این است که مرحله آتی نظام سیاسی عراق مرحله تغییر است و مردم عراق نیز برای تغییر پا در عرصه انتخابات خواهند گذاشت. این حجم بالای فعالیت سیاسی پس از مقابله با هجمه تروریستی به عراق حائز اهمیت است. زیرا طی دوران مبارزه با تروریسم شخصیت‌های جدیدی در دفاع از کشور ظهور

جریان‌های شیعی در انتخابات آتی به صورت مستقل و به دور از دیگر گروه‌ها و جریان‌های فکری پا به عرصه رقابت می‌گذارند. این جریان‌ها در زمان انتخابات جدا از هم هستند ولی پس از انتخابات با موضعی یکسان و یکپارچه به کار خود ادامه خواهند داد.

▼ با توجه به ائتلاف‌های موجود میان جریان‌های شیعه پیش‌بینی شما از حضور نمایندگان وابسته به این جریان‌ها در آینده سیاسی عراق چیست؟ به نظر شما کدام یک از این جریان‌ها در آینده عراق نقش پررنگ‌تری خواهند داشت؟

جریان‌های شیعه از طریق رهبران اصلی خود با قدرت و به صورت مستقل و انفرادی وارد عرصه انتخابات

سیاسی پیش از این در حوزه اقتصادی کشور کار خاصی نکرده‌اند. حضور آمریکایی‌ها در عراق نیز در این موضوع تأثیر داشته و این کشور بر دولت‌های مختلف عراق اعمال فشار می‌کرده است. به همین سبب نیز خواهان خروج نظامیان آمریکا از عراق بوده‌ایم. ما اعلام می‌کنیم که ائتلاف «الفتح» با جانفشانی‌هایی که کرده، قادر به مقابله با این محور و مداخله خارجی از سوی آمریکا خواهد بود. زیرا این مداخله آمریکا موجب فساد اداری در کشور، بی‌ثباتی نظامی و ورود تروریسم به کشور شده است. معتقدم که لیست «الفتح» به دلیل حمایت از الحشد الشعبی، در آینده سیاسی عراق نقش گسترده‌تری خواهد داشت.

▼ حضور کردها در انتخابات پارلمانی را با توجه به بروز بحران‌های سیاسی و اقتصادی و امنیتی در اقلیم کردستان عراق چگونه تحلیل می‌کنید؟ ائتلاف «برهم صالح» در میان جریان‌های سیاسی اقلیم کردستان چه میزان محبوبیت و پایگاه مردمی دارد؟

این بحران‌ها موجب بروز ضعف و پراکندگی میان احزاب اقلیم کردستان شد و معتقدم که امروز سیاستمداران کرد در برابر مردم خود ضعیف هستند. زیرا مردم را دلیل کرده و چیزی عاید مردم نکرده‌اند. علاوه بر بحران اقتصادی در استان‌های شمالی، فساد اداری و صادرات نفت خارج از چارچوب قانونی و توافقات با دولت مرکزی عراق نیز در اقلیم موجود است. همه این مشکلات در عرصه سیاسی شمال عراق منعکس شده و احزاب کردی را در برابر مردم تضعیف کرده است. این احزاب با یکدیگر اختلاف دارند و اتهم‌های را علیه یکدیگر مطرح می‌کنند. ائتلاف «برهم صالح» با جریان‌ها و احزاب برخاسته، مرحله جدیدی را رقم خواهد زد که احتمالا جامعه کردی را به سوی توافق با دولت مرکزی سوق خواهد داد. بنابراین با توجه به اقدامات مسعود بارزانی علیه مردم کرد در گذشته، امروز کردها سیاستمداران را به خوبی می‌شناسند و قادر به تمییز آن‌ها هستند.

▼ الحشد الشعبی به عنوان یکی از نهادهای مردمی نظامی در آینده سیاسی عراق چه نقشی خواهد داشت؟

الحشد الشعبی امروز نقش و جایگاهی نظامی و امنیتی دارد که در کسب پیروزی در برابر تروریسم ایفای نقش کرده است. الحشد الشعبی تابع اوامر فرمانده کل نیروهای مسلح عراق یعنی نخست‌وزیر کشور است. امروز الحشد الشعبی برای تمام دستاوردهای کسب‌شده سوپاپ اطمینان محسوب می‌شود و هر نوع عملیات سیاسی در کشور بدون وجود امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود. الحشد الشعبی امروز همانند چتری برای امنیت کشور می‌باشد و تمام نقشه‌ها برای تجزیه عراق را خنثی کرده است. نقشه‌های مذکور نیز از سوی آمریکا و اسرائیل و کشورهای حوزه خلیج فارس علیه عراق طراحی شد. بنابراین وجود الحشد الشعبی موجب ضمانت فرآیند سیاسی و وحدت و یکپارچگی در کشور می‌شود.

▼ برخی معتقدند رژیم‌های عربی موجود در منطقه مانند سعودی‌ها در صدد اعمال فشار بر جریان‌های سیاسی در عراق هستند تا بدین صورت در امور داخلی عراق دخالت کنند، موافقید؟

عراق متأسفانه از مداخله کشورهای خارجی به ویژه آمریکا، ترکیه و رژیم صهیونیستی و کشورهای حوزه خلیج فارس رنج می‌برد. این مداخله‌ها نقش زیادی در ورود تروریسم به عراق و حمایت از تروریست‌ها داشته‌اند اما امروز عراق به لطف مردم و دولت و مرجعیت، بیش از پیش نسبت به این توطئه‌ها آگاه شده است. برخی تلاش‌ها برای حمایت مستقیم و غیرمستقیم از برخی جریان‌ها و احزاب در داخل عراق در جریان است؛ این احزاب پیشتر علیه خود کشور توطئه کرده بودند. همچنین برخی در صدد ترمیم تصویر به جای مانده از تروریسم هستند. عراق از قدرت برخوردار است و قادر به مقابله با این توطئه می‌باشد.

الحشد الشعبی امروز همانند چتری برای امنیت کشور می‌باشد و تمام نقشه‌ها برای تجزیه عراق را خنثی کرده است

کردند و این در حالی است که برخی شخصیت‌های سابق نیز در همان زمان مزدور دشمن و مورد حمایت خارجی‌ها بودند. امروز این جریان‌ها سیاسی در میان شیعیان به چندین رهبر منحصر شده است که برخی از آن‌ها جدید و حامی الحشد الشعبی بوده‌اند؛ اینها در واقع نیروی کمکی بوده‌اند و ائتلاف «الفتح» نماینده آنها است و جریان‌های کتائب، العصاب، بدر و دیگر شخصیت‌های حامی الحشد، در آن هستند. این‌ها علاوه بر کسب پایگاه مردمی، جریانی مورد حمایت نیز تشکیل داده‌اند. جریان دیگر نیز از حزب الدعوة نشأت گرفته و حیدر العبادی نخست‌وزیر عراق در آن حضور دارد. وی در انتخابات پیشین به ائتلاف دولت قانون وابسته بود. جریان الحکمه نیز از مجلس اعلای عراق جدا و گروه جدیدی تشکیل شده است. جریان مقتدی صدر نیز با مدنی‌ها ائتلاف کرده است. همه این‌ها نشان می‌دهد که

می‌شوند اما پس از رای‌گیری و اتمام انتخابات موضع سیاسی یکسان و یکپارچه‌ای اتخاذ خواهند کرد. هر کدام از جریان‌ها و ائتلاف‌ها که پایگاه مردمی بالاتر و صدای بلندتری در زمان انتخابات داشته باشند، در آینده سیاسی عراق حضور پررنگ‌تری خواهند داشت. اکنون نمی‌توان اکثریت و اقلیت را پیش‌بینی کرد. زیرا اکثر جریان‌های موجود پایگاه مردمی دارند و تفاوت چندانی با هم ندارند. نمی‌توان اعلام کرد کدام یک وضعیت بهتری خواهند داشت اما برخی جریان‌ها امتیازات بیشتری دارند. به عنوان مثال، ائتلاف و جریان «الفتح» امتیازاتی دارد که دیگر فراکسیون‌ها از آن بی‌بهره‌اند. زیرا در زمینه مبارزه با تروریسم جانفشانی کرده و موضعی شرافتمندانه در این زمینه دارد. به همین دلیل نیز در میان مردم عراق پایگاه خوبی کسب کرده است. این در حالی است که دیگر جریان‌های



ویژه جهان اسلام

گرافیک و صفحه آرایی: سید محمد حسینی

www.qudsonline.ir

ضمیمه هفتگی روزنامه قدس

مدیر مسئول و سردبیر: ایمان شمسایی

دبیر ویژه نامه: محمد مهدی رحیمی

بوی بهار

مجتبی رحماندوست

کودکم کاش به جایت بودم

نسل امید گوارایت باد

توز نسل فتاحی

فتح با سوره نصر

نسل تو پیروز است

نسل حزب الله است

نسل تو، نسل حماس است و جهاد

همه استشهادی

همگی جان بر کف

ذوالفقاری دیگر

بار دیگر حیدر

بار دیگر خیبر

شهد پیروزی ها خوش گوارای وجود

دیدگانت روشن

خیلی دور خیلی نزدیک



◀ رزمندگان انصارالله یمن در حال قرائت دعا پیش از ورود به میدان نبرد با نیروهای آل سعود



از فعالیت شیعیان در اروپا آگاه شویم



علی رغم همه تبلیغات منفی و مخربی که علیه دین مبین اسلام و مسلمانان صورت می گیرد، موج گرایش به اسلام و مسلمانی در همه جای دنیا و از جمله در اروپا به شدت رو به افزایش است و از بالاترین میزان در مقایسه با سایر ادیان برخوردار است؛ تا آنجا که برخی از تسخیر اروپا توسط اسلام در چند دهه آینده خبر می دهند.

در همین راستا شیعیان هم در کشورها و شهرهای مختلف اروپا، فعالیت های خود را دنبال کرده و بدنبال توسعه آن هستند، اگرچه در بسیاری از مناطق این فعالیت ها با محدودیت های جدی از سوی حکومت و نیز گروه های تندرو مواجه است.

کانال تلگرامی «شیعیان اروپا» که خود را «اولین مرجع اطلاع رسانی مراکز و مراسم شیعیان در اروپا از سال ۲۰۱۳» معرفی کرده از جمله منابع خبری خوب برای اطلاع از این فعالیت های گسترده بصورت منظم و دقیق است. این کانال که از پیش از این در قالب سایت اینترنتی و صفحه فیس بوک فعالیت می کرده است؛ با توسعه فعالیت های خود، در تلگرام و اینستاگرام هم صفحه فعالی را راه اندازی کرده است.

ارسال و معرفی برنامه ها و گزارش مراکز و یا درخواست هماهنگی برای معرفی سخنران و مداح از جمله خدماتی است که این کانال ارائه می دهد.

برای دسترسی به کانال شیعیان اروپا باید از لینک <https://t.me/EuropeShia> بهره گرفت.



در آمدی بر نهضت های آزادی بخش



از جمله دستاوردها و آثار پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تقویت انگیزه ملت های مستضعف برای دنبال کردن خواسته های برحق خود و تلاش برای تغییر سرنوشت خود از تغییر مبارزه با حاکمان فاسد است. جدی ترین ثمره در این زمینه شکل گیری نهضت های آزادی بخش در کشورهای منطقه غرب آسیاست. کتاب «درآمدی بر نهضت های آزادی بخش، مبانی، ریشه ها و اندیشه ها» که توسط موسسه اندیشه سازان نور تهیه و تنظیم شده است، از جمله آثاری است که به این موضوع مهم می پردازد.

این کتاب شامل مجموعه مقالاتی است که به مبانی نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی، دیدگاه امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب، رویکردهای نظری این نهضت ها، شرایط و چالش های آنها و در نهایت رابطه نظام بین الملل و غرب نسبت به این نهضت ها پرداخته اند. در واقع، آنچه در این کتاب مورد بررسی اجمالی قرار می گیرد در آمدی است بر واکاوی ریشه ها و بنیادهای نظری و نیز مبانی نقلی در منظر رهبرانی که به این اندیشه اعتقاد دارند و بر این باورند می توان نظم کهنی را که بر مبانی غیر عادلانه و صرافاز نگاه قدرتمندان ترسیم شده است، به چالش کشید و آن را به سمتی عادلانه سوق داد.

در بخشی از این کتاب آمده است: «در پی این انسحاب و تحول عظیم در تاریخ و تمدن اسلامی دو سؤال مطرح شد که یکی معطوف به گذشته و دیگری مربوط به حال و آینده است: سؤال اول، این که چرا چنین شد و سؤال دوم، این که حال که چنین شده است، چه باید کرد؟ ... در پاسخ به سؤال دوم، سه راه حل مطرح شد: پیروی از غرب، ملت خواهی یا ناسیونالیسم و نهایتاً تجدید حیات دینی».



«زبان» ، یادبود قهرمان الجزایری مبارزه با استعمار فرانسه



فیلم «زبان» به کارگردانی «سعید ولد خلیفه» اثر برجسته ای است که با اقبال قابل توجهی در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا مواجه شد.

این فیلم، اگرچه محصول کاناداست اما درباره انقلاب استقلال طلبانه الجزایر بوده و در سال ۹۱ بعنوان نماینده این کشور در اسکار حضور پیدا کرد.

«زبان» که در پنجاهمین سالگرد استقلال الجزایر از فرانسه روی پرده سینماها رفت، درباره شهید «احمد زبان» ملی گرای جوان الجزایری است که سال ۱۹۵۶ توسط نیروهای فرانسوی در مقصله اعدام شد. از او به عنوان قهرمان جنبش استقلال الجزایر یاد می شود.

زبان تنها شش ماه پیش از «نبرد الجزایر» که زمینه ساز استقلال الجزایر از فرانسه شد، اعدام شد.

ولد خلیفه و عزالدین میهوبی فیلمنامه نویس از طریق گفت و گو با خانواده زبان و بررسی گسترده اسناد موجود، زندگی او و همین طور اولین روزهای جبهه آزادی بخش ملی که هدایت نبرد با فرانسه را به عهده داشت، به تصویر در آورده اند.

چهارمین فیلم بلند خلیفه را اثر کت «لیث مدیا» با حمایت دولت الجزایر تهیه کرده است. «زبان» علاوه بر اسکار در جشنواره فیلم تورنتو و نیز جشنواره بین المللی فیلم مقاومت به نمایش درآمد. گفتنی است کارگردان این فیلم در سال ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۷) و همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران از جمله خبرنگاران و فعالان رسانه ای بود که به همراه حضرت امام خمینی (ره) از فرانسه به ایران سفر کرد.